

مجموعه گفتارهای علمی اخلاقی

حضرت آیت الله یثربی دامت برکاته

به سوی معرفت

تفسیر آیات ولایت و امامت

دو یادگار خاتم رسولان صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ

همراه یکدیگر و جاویدان

۷ اردیبهشت ۱۳۹۰

۲۳ جمادی الاولی ۱۴۳۲

تکثیر این جزوه

با رعایت محتوا، حفظ امانت در نقل و ذکر مأخذ مجاز است



« الحمد لله رب العالمين وصلى الله على سيدنا محمد وآله الطاهرين ولعنة الله
على أعدائهم أجمعين » .

قال الله تبارك وتعالى :

﴿ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ
تَطْهِيرًا ﴾ (۱) .

جز این نیست که خداوند می خواهد از شما اهل بیت ﷺ هر
پلیدی را بزداید و شما را به شایستگی پاک گرداند .

چکیده‌ی سخن

در جلسات گذشته ، به تقریر شبهات و اشکال های عالم و هابی بر مفاد « آیه‌ی
تطهیر » - عصمت اهل البیت ﷺ - پرداختیم . اصل اشکال این بود که فقط
همسران پیامبر ﷺ جزو معصومین هستند و خمسه‌ی طیبه ﷺ از دایره‌ی
شمول مقام عصمت در آیه‌ی شریف ، خارج اند . این شبهه بسیار بدیع و جدید
است ، زیرا گذشتگان و بزرگان اهل سنت ، علاوه بر پذیرفتن عصمت ائمه‌ی

۱ . سوره احزاب ، آیه ۳۳ .

اطهار عليه السلام ، همسران پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را نیز از معصومین می دانستند . در مباحث گذشته به تفصیل ، همه ی شبهات را رفع کرده و مقام عصمت را فقط برای حضرات معصومین عليه السلام ثابت کردیم و برای اثبات این نکته ، به قرینه های داخلی و خارجی در « آیه ی تطهیر » اشاره نمودیم ^(۱) .

اهل بیت عليه السلام همنشین قرآن

یکی از قرینه های خارجی در « آیه ی تطهیر » ، که مقام عصمت را برای اهل بیت عليه السلام به اثبات می رساند ، « حدیث معروف ثقلین » است . این حدیث ، معنا و مفهوم آیه ی مذکور را مبین و روشن می سازد . پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در این حدیث شریف می فرمایند :

« إني تارك فيكم الثقلين ؛ كتاب الله وعترتي أهل بيتي ، لن يتفرقا حتى يردا على الحوض » ^(۲) .

به درستی که من دو چیز گرانبها بین شما می گذارم : کتاب خدا و عترت و خاندانم عليه السلام ، و این دو هرگز از یکدیگر جدا نمی شوند ، تا کنار حوض کوثر بر من وارد شوند .

از این حدیث مشهور ، نکات ذیل به دست می آید :

نکته ی اول : رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم در این روایت ، اهل بیت عليه السلام را قرین و عدل

۱. برای اطلاع بیشتر به جزوه شماره ۱۳۷ مراجعه نمایید .

۲. بحار الأنوار، جلد ۲، صفحه ۲۲۶؛ از منابع اهل سنت : مستدرک حاکم، جلد ۳، صفحه ۱۴۸؛ تفسیر ابن کثیر، جلد ۴، صفحه ۱۲۲ .

قرآن قرار می‌دهند. به این ترتیب، بین قرآن و حضرات اهل بیت علیهم‌السلام مقارنه و مساوات کامل وجود دارد؛ لذا این حدیث مشهور، بهترین دلیل و شاهد بر این دو مطلب است: اولاً، مراد از اذهاب رجس، در «آیه‌ی تطهیر» مقام عظیم عصمت است. ثانیاً، این جایگاه و مقام، منحصر در حضرات معصومین علیهم‌السلام می‌باشد. برای آنکه مقارنه و مساوات بین قرآن کریم و حضرات اهل بیت علیهم‌السلام را بهتر بشناسیم، ابتدا لازم است ویژگی‌های قرآن را مورد بررسی قرار دهیم. خداوند سبحان در آیات مختلف، ویژگی‌های قرآن را برای همگان آشکار می‌سازد. برخی از این ویژگی‌ها عبارت‌اند از:

الف - ﴿لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ﴾^(۱).

هیچ گونه باطلی، از پیش رو و نه از پشت سر، به سراغ آن نمی‌آید.

ب - ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ﴾^(۲).

ما این کتاب را به حق بر تو نازل کردیم.

ج - ﴿فَلَا تَكُ فِي مِرْيَةٍ مِنْهُ إِنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ﴾^(۳).

پس تردیدی در آن نداشته باش که آن حق است از پروردگارت!

د - ﴿قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ﴾^(۴).

از طرف خدا، نور و کتاب آشکاری به سوی شما آمد.

۱. سوره فصلت، آیه ۴۲.

۲. سوره نساء، آیه ۱۰۵.

۳. سوره هود، آیه ۱۷.

۴. سوره مائده، آیه ۱۵.

هـ ﴿لَا رَيْبَ فِيهِ﴾^(۱).

شک، در آن راه ندارد.

و- ﴿هُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ﴾^(۲).

مایه‌ی هدایت و رحمت و بشارت برای مسلمانان است! بر اساس آیات مذکور، قرآن سراسر حق است و هرگز باطل به ساحت مقدس آن راه پیدا نمی‌کند. همچنین این آیات ثابت می‌کند، قرآن مصون از تحریف است و هیچ قدرتی نتوانسته است حتی یک حرف به آیات آن، اضافه یا از آن کم کند و اساساً همه‌ی قرآن نور و هدایت و بشارت محض است. بر اساس این ویژگی‌ها، این نتیجه به دست می‌آید که نور قرآن نمی‌تواند همراه با ظلمت باشد، علم و حق در آن نمی‌تواند آلوده به جهل، نادانی و خرافه باشد و حقیقت، کتاب خدا نمی‌تواند با انحراف و کژی سازگاری پیدا کند.

همانطور که قرآن دارای خصوصیات فوق است، قرین و هم سنگ آن؛ یعنی ائمه‌ی اطهار علیهم‌السلام هم باید داری ویژگی‌های فوق باشند و گرنه همنشینی بین چیزی که سراسر نور است با چیزی که نور همراه با ظلمت است، هم خوانی ندارد. بنابراین، اهل بیت علیهم‌السلام نور و هدایت مطلق‌اند و هیچ شائبه و شبهه‌ای نمی‌تواند به ساحت ملکوتی ایشان علیهم‌السلام راه پیدا کند.

اگر این دلیل را نپذیریم، باید قائل شویم نور و ظلمت، یا حق و باطل می‌توانند هم سنگ یکدیگر شوند که این، سخن عاقلانه‌ای نیست.

۱. سوره بقره، آیه ۲.

۲. سوره نحل، آیه ۸۹.

نکته‌ی دوم: در این حدیث، جدایی ناپذیری عترت علیهم‌السلام و قرآن، تا ابد، مورد تأکید قرار گرفته است؛ زیرا حرف «لن» در لغت عرب، نفی ابدی را می‌رساند^(۱). به عنوان مثال، هنگامی که حضرت موسی علیه‌السلام به کوه طور رفت، با اصرار بنی اسرائیل از خداوند چنین تقاضا کرد:

﴿ رَبِّ أَرِنِي أَنْظُرُ إِلَيْكَ ﴾^(۲).

پروردگارا! خودت را به من نشان ده، تا تو را ببینم.

و خداوند در مقام پاسخ می‌فرماید:

﴿ لَنْ تَرَانِي ﴾^(۳).

هرگز مرا نخواهی دید.

در این آیه، خداوند به حضرت موسی علیه‌السلام متذکر می‌شود، هرگز و تا ابد، نمی‌تواند او را ببیند. رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در حدیث ثقلین، از واژه‌های «لم، لا» یا کلمات دیگری که برای نفی به کار برده می‌شوند، استفاده نکرده‌اند بلکه با استعمال «لن» چنین می‌فرمایند:

«لَنْ يَفْتَرِقَا».

هرگز این دو از هم جدا نمی‌شوند.

حضرت صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در صدر روایت، اهل بیت علیهم‌السلام و قرآن را قرین همدیگر قرار دادند و در ادامه، با به کار بردن «لن» و به دلیل آنکه نهایت بلاغت و فصاحت در زبان عرب، نزد ایشان بوده است، جدایی آن‌ها از یکدیگر را تا روز قیامت نفی فرموده‌اند که این،

۱. لسان العرب، جلد ۱۳، صفحه ۳۹۲.

۲. سوره اعراف، آیه ۱۴۳.

۳. همان.

دلیل دیگری بر مصونیت حضرات اهل بیت علیهم السلام از لغزش و گناه می باشد؛ زیرا تا زمانی که قرآن از تمام خطاها و اشتباهها مصونیت دارد، قرین قرآن؛ یعنی حضرات معصومین علیهم السلام نیز دارای مصونیت هستند.

نکته سوم: اگر تفریق و جدایی بین اوصاف قرآن با اوصاف قرین آن؛ یعنی ائمه اطهار علیهم السلام را جایز بدانیم، در واقع اشتباه و خطای رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم را در تبلیغ شریعت، جایز دانسته ایم و این مطلب، با نظر علمای عامه ناسازگاری دارد؛ زیرا - همانطور که در جلسات گذشته بحث شد - آنها معتقداند پیغمبر خاتم صلی الله علیه و آله و سلم فقط در مقام تبلیغ دین، معصوم است. به عبارت دیگر، آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم تنها در گرفتن و بازگو کردن وحی معصوم هستند^(۱). بنابراین، اگر حضرت صلی الله علیه و آله و سلم در هنگام تبلیغ دین بفرماید: «از کتاب خدا و اهل بیت من علیهم السلام پیروی کنید» و از سوی دیگر، اهل بیت علیهم السلام همانند قرآن، در مصونیت نباشند، انسان به این نتیجه می رسد که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم - نعوذ بالله - مردم را به سوی خلاف و باطل دعوت می کند و این، از نظر بزرگان اهل سنت باطل خواهد بود. طبق حدیث ثقلین، اگر شخصی به عصمت کسانی که پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم به پیروی آنها توصیه فرموده اند، معتقد نباشد؛ با عصمت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در امر تبلیغ، مخالفت کرده است.

نکته چهارم: این نکته را که دارای اهمیت بیشتری است، با توجه به موضوع خاتمیت، تبیین می نمایم. خداوند متعال در مورد نزول قرآن، می فرماید:

۱. از منابع اهل سنت: المحصول، جلد ۳، صفحه ۲۲۵ (برای اطلاع بیشتر به جزوه شماره ۷۱ مراجعه نمایید).

﴿ إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ ﴾ (۱).

ما قرآن را نازل کردیم و ما به طور قطع نگهدار آنیم.

از طرف دیگر خداوند، پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را دارای مقام خاتمیت معرفی کرده و می‌فرماید:

﴿ مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ وَلَكِن رَّسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ ﴾ (۲).

حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پدر هیچ یک از مردان شما نبوده و نیست، ولی رسول خدا و ختم‌کننده و آخرین پیامبران عَلَيْهِمُ السَّلَام است.

همانطور که ایشان صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خاتم همه‌ی انبیای الهی عَلَيْهِمُ السَّلَام است؛ کتاب ایشان صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هم که از طرف خداوند نازل شده، ختم دهنده‌ی همه‌ی کتب آسمانی است. با این نکته معلوم می‌شود تا روز قیامت، این کتاب دارای اعتبار و حجیت است؛ در نتیجه، طبق حدیث ثقلین، قرین آن هم باید تا روز رستاخیز وجود داشته و دارای اعتبار باشد؛ در غیر این صورت این بخش از حدیث ثقلین «لَنْ يَفْتَرَقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضِ» مفهومی پیدا نمی‌کند، زیرا همراهی و جدایی ناپذیری قرآن و عترت عَلَيْهِمُ السَّلَام از این جهت منتفی می‌شود.

در نمازهای یومیّه، انسان در هر روز حداقل، ده بار این آیه‌ی شریف را می‌خواند:

﴿ اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ ﴾ (۳).

ما را به راه راست هدایت کن.

۱. سوره حجر، آیه ۹.

۲. سوره احزاب، آیه ۴۰.

۳. سوره فاتحه، آیه ۶.

منظور از « راه مستقیم » صراطی است که انسان را به سوی قرآن و اهل بیت علیهم السلام هدایت می‌کند و طبق حدیث مشهور ثقلین، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تضمین نکردند کسی که فقط به قرآن تمسک کند و اهل بیت علیهم السلام را رها کند، گمراه نخواهد شد و یا اگر انسان فقط به اهل بیت علیهم السلام متمسک شد و قرآن را فراموش کرد، گمراه نخواهد شد.

شمول مقام عصمت، به بقیه‌ی ائمه‌ی اطهار علیهم السلام

با توجه به نکات مذکور، روشن می‌شود، همانطور که خمسه‌ی طیبه علیهم السلام بنا بر « آیه‌ی تطهیر » واجد مقام عصمت هستند؛ بقیه‌ی معصومین علیهم السلام، از حضرت امام زین العابدین علیه السلام تا وجود مبارک حضرت امام زمان - عجل الله تعالی فرجه الشریف - نیز، دارای این مقام عظیم هستند؛ یعنی همان طور که استمرار حجیت و اعتبار قرآن، تا روز قیامت ادامه دارد، استمرار حجیت قرین قرآن هم تا آن روز پایدار خواهد بود و در عصر ما، حضرت امام زمان - عجل الله تعالی فرجه الشریف - دارای چنین ویژگی و حجیتی می‌باشند. اگر روزی استمرار اعتبار و حجیت قرآن همچنین قرین آن؛ یعنی اهل بیت علیهم السلام منقطع و سلب شود؛ سخنان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در حدیث ثقلین، حاصل خواهد شد؛ در حالی که خلاف گویی و کذب و اشتباه به ساحت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم راهی ندارد و این دلیل، از جمله براهینی است که اهمیت به سزایی در اثبات مقام عصمت حضرات معصومین علیهم السلام دارد.

بنابراین « حدیث ثقلین » که بزرگان تشیع و علمای اهل سنت در متون روایی

نقل کرده‌اند، گواه بر این مطلب است که حجیت قرآن همراه قرین خود؛ ائمه‌ی اطهار علیهم‌السلام خواهد بود و دین خاتم تا روز قیامت استمرار خواهد داشت. خداوند سبحان، در مورد استمرار قرآن کریم می‌فرماید:

﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾^(۱).

ما قرآن را نازل کردیم و ما به طور قطع نگه دار آنیم.

شخصی از حضرت امام صادق علیه‌السلام سؤال کرد:

« ما بالقرآن، لا یزداد علی النشر والدرس إلا غضاضة؟ ».

چرا قرآن هر چه بیشتر پخش شود و بیشتر مورد بحث قرار گیرد،

تازه‌تر و شاداب‌تر می‌شود؟

حضرت علیه‌السلام در جواب فرمودند:

« لَأَنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ لَمْ يَجْعَلْهُ لَزْمَانَ لَزْمَانَ وَلَا نَاسٍ دُونَ نَاسٍ »^(۲).

زیرا، خدای متعال آن را مخصوص زمانی خاص غیر از زمان‌های

دیگر، و مردمانی جز مردمان دیگر قرار نداده است.

از جمله اموری که نشانگر طراوت قرآن و تازگی آن در همه‌ی قرون و اعصار

است، نکاتی از قرآن است که در طول مباحث‌مان، ارائه کردیم که پیش از آن در

میان شیعه و غیر شیعه، کسی به آن‌ها اشاره ننموده است. خداوند، قرآن را برای

دوره‌ای خاص یا برای جمعیتی معین، نازل نکرده است؛ بلکه اعتبار قرآن برای

۱. سوره حجر، آیه ۹.

۲. بحار الأنوار، جلد ۲، صفحه ۲۸۰؛ أمالی طوسی، صفحه ۵۸۰؛ عیون اخبار الرضا علیه‌السلام، جلد

۱، صفحه ۹۳؛ از منابع اهل سنت: تاریخ بغداد، جلد ۶، صفحه ۱۱۵.

همگان تا روز رستاخیز می‌باشد. طبق حدیث شریف ثقلین، ویژگی تداوم قرآن باید به قرین قرآن؛ یعنی حضرات معصومین علیهم‌السلام، نیز سرایت پیدا کند و شیعیان باور دارند مقام عصمت به طور مستمر در میان جامعه وجود دارد و امروزه این مقام، در وجود مقدس امام زمان - عجل الله تعالی فرجه الشریف - تبلور دارد. مؤید این مطلب، روایاتی از منابع شیعه و حتی اهل سنت است که در ادامه، آنها را ذکر می‌کنیم.

مرحوم کلینی رحمته‌الله در کتاب «اصول کافی»، این روایات را نقل کرده‌اند:

۱. حضرت امام محمد باقر علیه‌السلام فرمودند:

«والله! ما ترك الله أرضاً منذ قبض آدم عليه‌السلام إلا وفيها إمامٌ يهتدي به إلى الله، وهو حجته على عباده، ولا تبقى الأرض بغير إمامٍ حجته لله على عباده»^(۱).

قسم به خدا! از روزی که حضرت آدم علیه‌السلام قبض روح شده، خداوند زمین را وانگذازده جز آنکه در آن، امام و پیشوایی بوده است که به وسیله‌ی او به سوی خدا رهبری می‌شدند و او حجت خدا بر بندگانش بوده است و زمین بی‌امامی که حجت خدا بر بندگانش است، نمی‌ماند.

بر اساس روایات، شیعیان معتقداند اگر حجتی در عالم نباشد، زمین همه‌ی اهل‌اش را فرو می‌برد و قیامت آغاز می‌شود. حضرت امام سجاد علیه‌السلام می‌فرماید:

۱. کافی، جلد ۱، صفحه ۱۷۹.

« لولا ذلك (الحجّة) لساخت الأرض بأهلها »^(۱).

اگر حجت الهی نباشد، زمین هر آنچه در اوست را فرو می برد.

۲. حضرت امام صادق علیه السلام می فرمایند:

« ما زالت الأرض إلا والله فيها الحجّة يُعْرِفُ [يُعْرِفُ] الحلال والحرام

و يدعو الناس في سبيل الله »^(۲).

زمین، همیشه پا برجا نباشد جز آنکه برای خدا در آن حجّتی باشد که حلال و حرام را به مردم بفهماند و مردم را به راه خدا دعوت کند.

۳. حضرت امام صادق علیه السلام در روایتی دیگر می فرمایند:

« إن الله أجلّ وأعظم من أن يترك الأرض بغير إمام عادل »^(۳).

خدا برتر و بزرگ تر از آن است که زمین را بدون امام عادل علیه السلام واگذارد.

۴. همچنین ایشان علیه السلام می فرمایند:

« لو لم يكن في الأرض إلا إثنان، لكان الإمام أحدهما »^(۴).

اگر در زمین جز دو نفر نباشند، یکی از آنها امام علیه السلام است.

این روایت، گویا وظیفه‌ی پروردگار و جایگاه هدایت تکوینی و تشریحی خداوند

۱. بحار الأنوار، جلد ۵۷، صفحه ۲۱۳.

۲. کافی، جلد ۱، صفحه ۱۷۸.

۳. همان.

۴. همان، صفحه ۱۸۰.

را بیان می‌کند؛ یعنی محال است که خداوند سبحان، زمین و بندگانش را بدون امام و پیشوارها سازد و اگر روی کره‌ی زمین فقط دو نفر زندگی کنند، یکی از آن دو امام علیه السلام خواهد بود.

از متون روایی اهل سنت در این زمینه، می‌توان به کتاب «الصواعق المحرقة» تألیف ابن حَجَرٍ عَسْقَلَانِي^(۱) اشاره کرد. وی در این کتاب می‌نویسد:

«وفي أحاديث الحث على التمسك بأهل البيت عليهم السلام، إشارة إلى عدم انقطاع متأهل منهم للتمسك به إلى يوم القيامة، كما أن كتاب العزيز كذلك»^(۲).

احادیثی که با اصرار، مردم را به تمسک به اهل بیت عليهم السلام فرا می‌خوانند، اشاره دارند به اینکه تا روز قیامت، زمین از شخص شایسته از اهل بیت عليهم السلام، خالی نیست تا اینکه مردم به او تمسک کنند؛ همان گونه که کتاب عزیز این چنین است.

مفهوم این سخن ابن حجر، چنین است: روایات منقول در مورد تشویق مردم به تمسک اهل بیت عليهم السلام، اشاره دارد^(۳) به اینکه تا روز قیامت در خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم کسی که دارای اهلیت برای امامت است وجود خواهد داشت، تا مردم

۱. وی از علمای عامه و بسیار متعصب است و تمام تلاش‌اش را در رد نظرات شیعیان به کار گرفته است.

۲. الصواعق المحرقة، صفحه ۱۴۹.

۳. گرچه این عالم اهل سنت روایت مذکور را اشاره‌ای به وجود امام عليه السلام می‌داند ولی اگر بدون تعصبات مذهبی در این گونه روایات دقت شود اعتراف خواهیم نمود که به این مطلب تصریح دارند، نه اشاره!!

به او تمسک کنند، همان طوری که مردم تا روز رستاخیز، به دامان قرآن چنگ می‌زنند.

وی در ادامه می‌نویسد:

« ولهذا كانوا أماناً لأهل الأرض كما يأتي ويشهد لذلك ، الخبير السابق »^(۱).

به همین دلیل، اهل بیت ﷺ وسیله‌ی امان مردم روی زمین خواهند بود و گواه بر آن، خبر پیشین است.

روایتی که ابن حجر قبلاً نقل کرده بود، این است که پیامبر اکرم ﷺ می‌فرمایند:

« في كلِّ خلفٍ من أمتي ، عدول من أهل بيتي ﷺ »^(۲).

در میان هر دسته از بازماندگان امت من، افراد عادل‌ی از اهل بیت من ﷺ وجود دارد.

از علمای وهابی که همه‌ی تلاش‌شان، ردّ نظرات شیعیان و اثبات ادعای باطل خودشان است، سؤال می‌شود: بر فرض اینکه بتوانید به عقاید شیعیان پاسخ دهید، آیا می‌توانید ادعای ابن حجر عسقلانی را نیز رد کنید؟! بنابراین، از حدیث مشهور ثقلین، نتایج ذیل به دست می‌آید:

الف - عترت پیغمبر خاتم ﷺ همانند قرآن مجید، تا روز قیامت دارای حجیت و استمرار می‌باشند.

۱. همان.

۲. همان، صفحه ۹۰.

ب - اهل بیت علیهم السلام همه‌ی ویژگی‌های قرآن را دارا هستند و بین این دو موازنه برقرار می‌باشد؛ زیرا اگر موازنه و مساوات وجود نداشته باشد و قرآن، انسان را به چیزی دعوت کند اما اهل بیت علیهم السلام آن را نهی کنند؛ در این صورت، تناقض در سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم پیش خواهد آمد؛ در حالی که بطلان تناقض گویی و اشتباه رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم، نزد شیعه و سنی آشکار می‌باشد. پس همان طور که احتمال خطا و اشتباه در قرآن نیست، در هیچ کلامی از سخنان حضرات معصومین علیهم السلام نیز امکان خطا و اشتباه وجود نخواهد داشت.

تعیین امام، توسط پروردگار

نویسنده و پدیدآورنده‌ی کتاب قرآن، شیعیان یا صحابه یا حتی پیغمبر خاتم صلی الله علیه و آله و سلم نمی‌باشند، بلکه این کتاب، از جانب خداوند متعال نازل شده است. خداوند در قرآن می‌فرماید:

﴿ تَنْزِيلٌ مِّنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ ﴾^(۱).

از سوی خداوند حکیم و شایسته‌ی ستایش نازل شده است. همانگونه که بی‌اعتنایی یا اهمیت دادن بندگان نسبت به قرآن، از عظمت، مصونیت و معصومیت آن نمی‌کاهد، یا توجه مردم به جلالت و ارزش آن نمی‌افزاید؛ بی‌اعتنایی یا اهمیت دادن مردم نسبت به اهل بیت علیهم السلام نیز خدشه‌ای در جایگاه امامت ایجاد نمی‌کند. به تعبیر دیگر، همان طور که قرآن از طرف

۱۳۹ خداوند سبحان نازل شده است و مردم نمی‌توانند چیزی بر آن بیفزایند یا چیزی از آن بکاهند؛ بر اساس اصل مقارنه، اهل بیت ﷺ نیز با جعل الهی، برگزیده می‌شوند و مردم در این مورد اختیاری ندارند.

در روایتی، شخصی از حضرت امام رضا ﷺ سؤال کرد:

«یا بن رسول الله ﷺ! بأي شیء تصح الإمامة لمدعیها؟ قال ﷺ:

بالنص والدلائل»^(۱).

یا بن رسول الله ﷺ! به چه دلیلی امامت برای مدعی آن ثابت

می‌شود؟ امام ﷺ فرمودند: به نص و دلیل.

واژه‌ی «النص» به این معناست که امام قبلی ﷺ به صورت صریح و آشکار بفرمایند: «این فرزندم، امام بعد از من خواهد بود». از آنجایی که هر پدری، همه‌ی فرزندان‌اش را دوست می‌دارد، چگونه امام ﷺ از میان فرزندان‌شان، یکی را امام بعد از خود قرار می‌دهند؟ بنابراین، معلوم می‌شود امام ﷺ به دستور خداوند عمل می‌کنند و تعیین امام ﷺ از طرف خداوند متعال است^(۲).

در نتیجه، نمی‌توان مقام امامت را با شورا، جمهور، رأی ریختن در صندوق، تشکیل سقیفه یا مجلس انتخاب کرد. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا﴾^(۳).

۱. عیون أخبار الرضا، جلد ۱، صفحه ۲۱۶؛ بحار الأنوار، جلد ۲۵، صفحه ۱۳۴؛ تفسیر نورالثقلین، جلد ۳، صفحه ۲۵.

۲. برای اطلاع بیشتر در زمینه‌ی مقام امامت و نصب و تعیین آن، به جلد اول کتاب آیات ولایت و امامت تألیف حضرت آیت الله یثربی «دامت برکاته» رجوع شود.

۳. سوره سجده، آیه ۲۴.

و از آنان، امامان (و پیشوایانی) قرار دادیم که به فرمان ما (مردم را) هدایت می کردند، چون شکیبایی نمودند.

در آیه‌ی دیگر، خداوند سبحان می فرماید:

﴿وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَكَانُوا لَنَا عَابِدِينَ﴾^(۱).

و آنان را پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما، (مردم را) هدایت می کردند و انجام کارهای نیک و برپاداشتن نماز و ادای زکات را به آنها وحی کردیم و تنها ما را عبادت می کردند.

معنی وحی به امام علیه السلام

چنان که پیداست، در آیه‌ی ۷۳ سوره‌ی انبیاء، سخن از وحی به ائمه، به میان آمده است. برای توضیح این مطلب، لازم است که بدانیم وحی در این آیه، به این معنا نیست که حضرت جبرئیل علیه السلام به حضرت امام سجاد علیه السلام یا به حضرت امام حسن عسکری علیه السلام نازل می شد، بلکه وحی، ناظر به آیه‌ی شریف «سوره‌ی شوری» است که معنا و اقسام آن را در بحث عصمت، مفصلاً توضیح دادیم^(۲). خداوند در کتاب قرآن می فرماید:

﴿وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحاً مِّنْ أَمْرِنَا مَا كُنْتَ تَدْرِي مَا الْكِتَابُ وَلَا الْإِيمَانُ وَلَكِن جَعَلْنَاهُ نُوراً نُّهْدِي بِهِ مَنْ نَّشَاءُ مِنْ عِبَادِنَا وَإِنَّكَ لَنَهْدِي

۱. سوره انبیاء، آیه ۷۳.

۲. ر.ک: به سوی معرفت، جزوه شماره ۱۲۸.

همان گونه (که بر پیامبران پیشین ﷺ وحی فرستادیم) بر تو نیز روحی را به فرمان خود وحی کردیم. تو پیش از این نمی دانستی کتاب و ایمان چیست و (از محتوای قرآن آگاه نبودی) ولی ما آن را نوری قرار دادیم که به وسیله‌ی آن، هر کس از بندگان خویش را که بخواهیم، هدایت می‌کنیم و تو مسلماً به سوی راه راست هدایت می‌کنی.

قبلاً با استناد به روایات «اقسام روح» را ذکر کرده^(۲) و بیان کردیم پیغمبران ﷺ، روحی اضافه بر دیگران به همراه دارند. در روایتی اسباط بن سالم^(۳) می‌گوید: نزد حضرت امام صادق ﷺ حضور داشتم:

«سأله رجلٌ من أهل هیت - وأنا حاضرٌ - عن قول الله عزّوجلّ: ﴿وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحاً مِّنْ أَمْرِنَا﴾^(۴) فقال ﷺ: منذ أنزل الله عزّوجلّ ذلك الروح على محمد ﷺ، ماصعد إلى السماء وإنه لفيها»^(۵).

مردی از اهل هیت^(۶) از امام ﷺ درباره‌ی قول خدای عزّوجلّ: «و

۱. سوره شوری، آیه ۵۲.

۲. به جزوه ۱۲۸ رجوع شود.

۳. وی یکی از اصحاب حضرت امام صادق ﷺ از موثقین به شمار می‌رود (معجم رجال الحدیث، جلد ۳، صفحه ۲۶).

۴. سوره شوری، آیه ۵۲.

۵. کافی، جلد ۱، صفحه ۲۷۳؛ بحار الأنوار، جلد ۱۸، صفحه ۲۶۵.

۶. هیت، شهری کنار فرات از نواحی بغداد می‌باشد (معجم البلدان، جلد ۵، صفحه ۴۲۱).

همچنین روحی از امر خود را به سوی تو فرستادیم» پرسید،
 امام علیه السلام فرمودند: از زمانی که خدای عزوجل آن روح را بر
 حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم فرو فرستاده، به آسمان بالا نرفته است و آن
 روح در ما هست.

بعد از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم، آن روح در وجود مبارک حضرت امام
 امیرالمؤمنین علی علیه السلام، سپس در وجود شریف حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام و تا
 امروز در محضر مبارک حضرت بقیة الله - عجل الله تعالی فرجه الشریف - می باشد.

مقام امامت

در جلسات گذشته، احادیث فراوانی در مورد مقام امامت و ویژگی های آن بیان
 کردیم. یکی از آن روایات، روایت عبدالعزیز بن مسلم^(۱) است. او می گوید:

«كُنَّا مَعَ الرَّضَا علیه السلام بِمَرُو، فَاجْتَمَعْنَا فِي الْجَامِعِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ فِي بَدْءِ
 مَقْدَمِنَا، فَأَدَارُوا أَمْرَ الْإِمَامَةِ وَذَكَرُوا كَثْرَةَ اخْتِلَافِ النَّاسِ فِيهَا،
 فَدَخَلْتُ عَلَى سَيِّدِي علیه السلام، فَأَعْمَلْتَهُ خَوْضَ النَّاسِ فِيهِ، فَتَبَسَّمْ، ثُمَّ
 قَالَ علیه السلام: يَا عَبْدِ الْعَزِيزِ! جَهْلُ الْقَوْمِ وَخَدْعُو عَنِ آرَائِهِمْ».

با حضرت امام رضا علیه السلام در مرو بودیم، روز جمعه ای در اوایل
 ورودمان با عده ای، در مسجد جامع اجتماع کردیم و سخن
 پیرامون مسئله ی امامت درگرفت و از اختلاف های بسیاری که

۲۰. ۱. عبدالعزیز بن مسلم یکی از اصحاب حضرت امام رضا علیه السلام به شمار می رود (معجم رجال
 الحدیث، جلد ۱۰، صفحه ۳۵).

۱۳۹ دربارهی آن وجود دارد، بحث به میان آمد. سپس من نزد آقای خود (حضرت امام رضا علیه السلام) آمدم و ایشان علیه السلام را از اینکه مردم چنین سخنانی داشتند، آگاه کردم. ایشان علیه السلام لبخندی زدند و فرمودند: ای عبدالعزیز! مردم نمی دانند و در اندیشه های خود دچار فریب و نیرنگ شده اند.

آری، همواره راهزنان فکری و اعتقادی بشریت، در طول تاریخ، سر راه هدایت انسان ها کمین کرده اند تا آن ها را منحرف سازند. در ادامه حضرت علیه السلام فرمودند:

« وَأَمْرُ الْإِمَامَةِ مِنْ تَمَامِ الدِّينِ » .

امر امامت از کمال دین است.

در اواخر عمر پر برکت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم « آیه ی امامت » بر قلب مبارک ایشان نازل شد. خداوند در این آیه می فرماید:

﴿ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي ﴾ ^(۱).

امروز دین شما را کامل کردم و نعمت خود را بر شما تمام نمودم. این آیه، اشاره به مقام عظیم و نامتناهی امامت دارد؛ زیرا اگر امامت نمی آمد، دین کامل نمی شد.

سپس حضرت امام رضا علیه السلام می فرمایند:

« هل يعرفون قدر الإمامة ومحلها من الأمة ، فيجوز فيها اختيارهم ؟ !
 إِنَّ الْإِمَامَةَ أَجَلٌ قَدْرًا وَأَعْظَمُ شَأْنًا وَأَعْلَى مَكَانًا وَأَمْنَعُ جَانِبًا وَأَبْعَدَ غَوْرًا

من أن يبلغها الناس بعقولهم أو ينالوها بأرائهم أو يقيموا إماماً
باختيارهم»^(۱).

آیا مردم، قدر و موقعیت امامت را در میان امت می دانند تا اختیار
و انتخاب آنان در آن روا باشد؟! امامت بلند قدرتر و گرانمایه تر و
رفیع جایگاه تر و استوارتر و ژرف تر از آن است که مردم بتوانند با
خردهای خود به آن برسند، یا با اندیشه های خود از آن آگاه شوند
یا به انتخاب خود امامی قرار دهند.

طبق سخنان گوهر بار حضرت امام رضا علیه السلام، مقام امامت، به هیچ عنوان قابل
سنجش و مقایسه با مقام و منصب های دنیوی نیست؛ زیرا انسان در این دنیا هر چه
قدرت و مقام ظاهری پیدا کند، در هنگام خواب، حتی توان حفظ اموال خود را
ندارد. همان طور مثل اقیانوسی است که دستگاه های جدید امروزه هم نمی توانند
به اعماق آن دست پیدا کنند؛ زیرا جعل این مقام، منحصر در خداوند متعال است.
شاهد بر این مطلب ادامه ی روایت است که حضرت امام رضا علیه السلام می فرمایند:

«إِنَّ الْإِمَامَةَ حَصَّ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ بِهَا إِبْرَاهِيمَ عليه السلام بَعْدَ النَّبِيِّ وَالْخَلَّةِ مَرْتَبَةً
ثَالِثَةً، وَفَضِيلَةَ شَرَفِهِ بِهَا وَأَشَادَ بِهَا ذَكَرَهُ، فَقَالَ ﴿إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ
إِمَامًا﴾^(۲) فَقَالَ الْخَلِيلُ عليه السلام سُرُورًا بِهَا: ﴿وَمِنْ ذُرِّيَّتِي﴾^(۳)؟»^(۴).

۱. کافی، جلد ۱، صفحه ۱۹۸.

۲. سوره بقره، آیه ۱۲۴.

۳. همان.

۴. کافی، جلد ۱، صفحه ۱۹۸.

امامت، مقامی است که خداوند حضرت ابراهیم علیه السلام را پس از ۱۳۹ آنکه به مقام نبوت و دوستی (با خدا) رسید، این امامت سومین درجه و فضیلتی بود که خداوند به ایشان علیه السلام عطا نمود و نام اش را به وسیله ی آن بلند نمود و فرمود: «من تو را امام و پیشوای مردم قرار دادم» حضرت ابراهیم علیه السلام از شادمانی به خداوند عرض کرد: «از دودمان من (نیز امامانی قرار بده؟)».

در اینجا، حضرت ابراهیم علیه السلام از خداوند درخواست نکرده بودند، «مقام پیامبری یا الهی را در نسل من قرار بده» بلکه از خداوند تقاضا کردند **مقام امامت** را در نسل های آینده ی ایشان علیه السلام قرار دهد؛ اما خداوند در پاسخ فرمود:

﴿لَا يَنْتَظِرُ الْظَّالِمِينَ﴾^(۱).

پیمان من به ستمگران نمی رسد.

سپس حضرت امام رضا علیه السلام می فرمایند:

«فأبطلت هذه الآية إمامة كل ظالم إلى يوم القيامة»^(۲).

این آیه، امامت هر ظالمی را تا روز قیامت باطل کرد.

در این روایت مشاهده می شود انتخاب و معرفی صاحب منصب امامت، در انحصار خداوند متعال است و به این دلیل، تمام ادعاهای مدعیان امامت و پیشوایی بر مردم باطل می شود. بنابراین، کسی که مسئله و احکام شرعی را نمی داند و بگوید: «من مسئله و احکام را می دانم» یا کسی که رشته ی دکترانخوانده اما ادعای

۱. سوره بقره، آیه ۱۲۴.

۲. کافی، جلد ۱، صفحه ۱۹۸.

آیا کسانی که مدعی خلافت و امامت و جانشینی رسول الله ﷺ شده‌اند، ولی از مردم بی سواد جامعه‌ی امروز ما، بی سوادتر و جاهل‌تر بوده‌اند و حتی نسبت به مسائل ابتدایی، مثل احکام نماز آگاه نبوده‌اند؛ ظالم نیستند؟ در منابع اهل سنت نقل شده است:

خلیفه‌ی دوم مشغول نماز بود. در حین نماز، دست خود را بر آلت تناسلی‌اش گذاشت. سپس نماز خود را شکسته، رو به مردم کرد و گفت: «صبر کنید من تجدید وضو کنم». بعد از سپری شدن زمان طولانی، وضو گرفت و از همان جایی که نماز را قطع کرده بود. به نمازش ادامه داد^(۱)!!

مورد فوق، نمونه‌ای از اعمال و رفتار خلیفه‌ی رسول الله ﷺ بود. مردم آن زمان، باید چقدر جاهل و نادان بوده باشند که هویت، انسانیت و شرافت خود را فروخته و چنین کسی را بر وجود مقدس و مبارک حضرت امام امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب عليه السلام ترجیح دادند. حضرت امیرالمؤمنین علی عليه السلام، به مردم می‌فرمایند:

«أنا بطرق السماء أعلم متي بطرق الأرض»^(۲).

من به راه‌های آسمان، نسبت به راه‌های زمین آگاه‌ترم.

در متون روایی اهل سنت آمده است:

۱. از منابع اهل سنت: السنن الكبرى، جلد ۱، صفحه ۱۳۱؛ کنز العمال، جلد ۹، صفحه ۴۷۸؛ معرفة السنن والآثار، جلد ۱، صفحه ۲۲۴؛ المصنّف، صفحه ۱۱۴ و ۴۱۶.
۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۸۹.

شخصی پیش خلیفه‌ی دوم آمد و سؤال کرد: «من محتلم و جنب شدم و دسترسی به آب ندارم تکلیفام در مورد ادای نماز چیست؟ عمر گفت: نماز نخوان! عمار که در آن مجلس حضور داشت، به خلیفه گفت: فراموش کردی با هم در بیابان بودیم و هر دو محتلم شدیم و هنگام صبح به دلیل عدم دسترسی به آب، تو نماز نخواندی اما من در خاک‌های بیابان غلطیدم و نماز را اقامه کردم؛ سپس این واقعه را خدمت پیغمبر خاتم ﷺ بیان کردیم؛ حضرت ﷺ شکل صحیح تیمم را به ما آموختند» در این هنگام خلیفه رو به عمار کرد و گفت: از خدا بپرهیز، ای عمار! عمار گفت: اگر بخواهی دیگر از این مسئله یادی نمی‌کنم^(۱)!

خلفا، صرف نظر از غضب‌ها، سوء نیت‌ها و بدرفتاری‌ها، جرم و جنایت‌های زیادی مرتکب شدند؛ از جمله، در مثل این روزها، به خانه‌ی وحی حمله‌ور شدند. در خانه‌ای که حضرت جبرئیل در فاصله‌ی چهار روز^(۲)، سیصد مرتبه نازل شده را آتش زدند^(۳) و آن قضایای فجیع را به وجود آوردند. آیا این عمل، نشانگر حقد و کینه بارسول الله ﷺ، عناد با ذات قدوس الهی و ترویج شرک و خرافه پرستی آنها نبود؟ آنهایی که به عنوان امام و پیشوا و به نام دین و اسلام، این جرایم را مرتکب

۱. از منابع اهل سنت: صحیح مسلم، جلد ۱، صفحه ۲۸۰؛ مسند احمد، جلد ۴، صفحه ۲۶۵؛ السنن الکبری، جلد ۱، صفحه ۲۰۹؛ السنن النسائی، جلد ۱، صفحه ۵۹؛ السنن ابن ماجه، جلد ۱، صفحه ۲۰۹؛ السنن أبی داود، جلد ۱، صفحه ۵۳.
۲. در روایات چهار روز، ۷۵ روز، ۹۵ روز و حتی تا ۶ ماه نقل شده است. اما علمای شیعه قائل به ۶ ماه نشده‌اند.

۳. بحار الأنوار، جلد ۴۳، صفحه ۱۸۱؛ الإبتصار، جلد ۶، صفحه ۴۳۷؛ از منابع اهل سنت: الإمامة والسیاسة، جلد ۱، صفحه ۱۳، تاریخ طبری، جلد ۳، صفحه ۱۸۹؛ شرح نهج البلاغه ابن أبی الحدید، جلد ۱، صفحه ۱۳۴.

شدند و به پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قبل از وفات، اتهام هذیان گویی زدند و گفتند: این مرد بیمار است، رهاش کنید»^(۱).

با توجه به مطالب مذکور و «حدیث شریف ثقلین» به این نتایج می‌رسیم:
الف - همه‌ی اوصافی که در مورد قرآن ذکر شده (مثل نور، هدایت، بشارت، حق، راه نداشتن شک و شبهه و کلام باطل در آن) اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام نیز بنابر قاعده‌ی مقارنه، به آنها، متصف هستند.

ب - قرآن و عترت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ غیر قابل جدایی و انفکاک هستند و همان‌گونه که حجیت قرآن تا روز قیامت تداوم خواهد داشت، اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام نیز تا روز رستاخیز، دارای اعتبار هستند و همان‌گونه که مقام عصمت در «آیه‌ی تطهیر» برای خمسه‌ی طیبه عَلَيْهِمُ السَّلَام اثبات می‌شود، برای جانشینان ایشان عَلَيْهِمُ السَّلَام؛ از حضرت امام سجاد عَلَيْهِ السَّلَام تا حضرت امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام، نیز پایدار خواهد بود.

«وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ»

خودآزمایی

- ① آیا عترت ﷺ و قرآن، از هم جدا می‌شوند؟
- ② اگر بین اوصاف قرآن و اوصاف ائمه‌ی اطهار ﷺ تفاوت باشد، چه نتایج دارد؟
- ③ به چه دلیل حجیت اهل بیت ﷺ تا روز قیامت استمرار دارد؟
- ④ چرا مقام عصمت در خمسه‌ی طیبه ﷺ به بقیه‌ی ائمه‌ی معصومین ﷺ سریان پیدا می‌کند؟
- ⑤ نتایج حاصل از حدیث مشهور ثقلین را بیان کنید؟
- ⑥ چه کسی صاحب مقام امامت را جعل و تعیین می‌کند؟
- ⑦ منظور از «صراط مستقیم» چه راهی است؟
- ⑧ حضرت ابراهیم علیه السلام از خداوند متعال چه درخواستی داشت؟ پاسخ خداوند چه بود؟
- ⑨ با توجه به روایت عبدالعزیز بن مسلم، چه فردی شایستگی مقام امامت را ندارد؟
- ⑩ دو رفتار خلیفه‌ی دوم که جهالت وی را نشان می‌دهد را بیان نمایید.

نکنه ی اول: رسول الله ﷺ در این
روایت، اهل بیت علیهم السلام را قرین و عدل
قرآن قرار می دهند. به این ترتیب، بین
قرآن و حضرات اهل بیت علیهم السلام مقارنه
و مساوات کامل وجود دارد؛ لذا این
حدیث مشهور، بهترین دلیل و شاهد بر
این دو مطلب است: اولاً، مراد از
اذهاب رجس، در «آیه ی تطهیر» مقام
عظیم عصمت است. ثانیاً، این جایگاه و
مقام، منحصر در حضرات
معصومین علیهم السلام می باشد.
(صفحه ۴ از همین جزوه)

■ محل عرضه CD جلسات به سوی معرفت :
ابتدای خیابان امام، جنب قائمیه، فروشگاه آوای مهر.
■ شماره سیستم پیام کوتاه (SMS) ۳۰۰۷۲۲۷۰۸ می باشد.
■ در صورت تمایل به دریافت پیام کوتاه جلسات، شماره تلفن
همراه خود یا دوستانتان را با نام به سیستم ارسال کنید.

محل برگزاری جلسات :

کاشان: حسینیه مرحوم آیت الله یثربی رحمته الله علیه

تلفن: ۴۴۴۳۴۳-۴۴۴۵۲۷۷-۴۴۴۹۹۳۳

پست الکترونیک: info@yasrebi.ir

www.yasrebi.ir